

۱۶۸.۳

مجله	سازف جعفری
تاریخ نشر	خرداد ۱۳۴۶
شماره	شال ۷
شماره مسلسل	
محل نشر	قم
زبان	فارسی
نویسنده	محمد مجتهد شبستری
تعداد صفحات	۱۱۲ - ۱۲۳
موضوع	گوشه ای از: اسرار اعجاز قرآن
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

کتابخانه

کتابخانه

محمد مجتهدی شبتری

گوشه‌ای از:

اسرار اعجاز قرآن

یکی از دانشمندان محقق عرب کنایه‌ی جامع و بسیار
نفیس بمنظور معرفی عمیق و جالب و در عین حال مختصری
از اسلام به نگارش درآورده بنام «روح الدین
الاسلامی»، موضوعی که در این مقاله بخوانندگان
محترم عرضه میشود قسمتی از تحقیقات این کتاب
است در مورد اعجاز قرآن و چگونگی آن



بمقتضای حکمت خدا معجزه محمد (ص) در رشته‌ای بوقوع پیوست که
ملت عرب در آن کاملاً به نبوغ رسیده بود، اصولاً معجزات همه پیامبران
اینطور بود آنها در رشته‌هایی واقع شده که امام پیامبران در آن دارای کمال و
نبوغ بودند.

مثلاً قوم فرعون اهل علوم ریاضی و طبیعی بودند، فن سحر و صنایع
مختلف زمان را بخوبی میدانستند و بهمین جهت خدا به موسی معجزاتی
داد که بیش از همه، دانشمندان ریاضی و طبیعی و متخصصین سحر، عظمت معجزه

وی را فهمیدند و بخوبی دانستند که آن معجزه الهی است نه پدید آورده
موسی، معجزه موسی این بود که وقتی عصا را بزمین انداخت ازدهای هولناکی
از آن پدید آمد و همه ابزار ساحرین را که رشته ریسمانهائی بودند بلعید
همچنین چون قوم عیسی شهرت و مهارت کاملی در علم طب داشتند
بیشتر آنها وجود روح را انکار مینمودند، خدا معجزه او را این قرارداد
که: کور مادرزاد را بینا میکرد، و بیماری برص را شفای بخشید، و
مرد گسار را زنده میکرد.

حقیقت اینست که: اعمال و دلائل حیرت انگیز پیغمبران قبل از
اسلام، یکرشته آثار ثابت بود که فقط معاصرین آنها را میدیدند، و بقیه
امت از روی تاریخ و اخبار بآن معتقد میشدند، مادیون در عصر ما این معجزات
گذشته را انکار میکنند و با موازین علوم طبیعی تأویل مینمایند باین
جهت خداوند بزرگترین معجزه محمد (ص) اقرآن قرار داد، که نیروی
هدایت و قانونگزاری صحیح، و اسلوب فوق العاده زیبا و معارف
حیات بخش آن همیشگی و جاویدان است، قرآن زمانی نازل شده که
عقل انسان از تکامل کافی بهره مند شده بود و باین جهت قرآن معجزه ایست
که با کمال فکری بشر کاملاً سازگار است.

مادر ضمن مباحث آینده؛ بحث علمی دقیقی در اثبات اعجاز قرآن می-
کنیم به نحوی که حقیقت وحی بودن آنرا بخوبی روشن میکند، و هر عقل
غیر منحرفی آنرا تصدیق مینماید و بجز معاندین دور از انصاف کسی از
پذیرفتن آن امتناع نمیکند.

اعجاز قرآن

کلمه - اعجاز - در لغت بمعنی نسبة دادن و اثبات عجز برای دیگری است در صورتی میگویند : اعجز الرجل اخاه که شخصی عجز دیگری را از انجام عملی ثابت کرده باشد ، اعجز القرآن الناس یعنی قرآن عجز بشر را از آوردن مثل آن ثابت کرد ، و وقتی گفته میشود : قرآن معجزه است از کلمه معجزه همان منظور است که از مطلق لفظ اعجاز فهمیده میشود.. یعنی آوردن قرآن از قدرت فطرت انسان خارج است ، و هیچ طریقه و نقشه‌ای برای چنان عمل در مغز او وجود ندارد ، و آنها مثل سائر آثار الهی است که آفرینش و چگونگی ساختمان هر کدام از آنها مستقلاً اعجازی است . . .

جهات اعجاز قرآن زیاد است ، بیان همه آنها محتاج به تحلیلات علمی زیاد و طول دادن بسخن و استدلال بآیات متعدد قرآنی است ، و این تفصیلات خود کتابهایی جدا گانه لازم دارد ، بدینجهت ناچاریم در اینجا باختصار کرائیده فقط به پیمان بعضی از جهات اعجاز قرآن که شهادت بوحی بودن آن دارد ، اکتفا کنیم ، تا همین مختصر مجملی از اعجاز قرآن برای خواننده باشد ، و قبل از همه ، اسلوب قرآن و امتیازات آن را بررسی میکنیم .

سبک قرآن

در قرآن جلوه شکفت آوری برای اعجاز جاویدان آن وجود دارد و آن سبک سخنگوئی قرآن است ، روش قرآن در سخنگوئی کاملترین نمونه بلاغت ؛ زیبایی سخن ، اشراق بیان ، و نفوذ گفتار است این سبک قرآن با همه روشهایی که عرب در سخن سرایی دارند و قواعدی

که در آن بکار میبرند مخالف است.

دکتر طه حسین میگوید: «قرآن نه نثر است و نه بر طبق قواعد شعر درست شده بلکه آن قرآن است و صحیح نیست آنرا بغیر این اسم بنامیم شعر نبودن قرآن واضح است برای اینکه قواعد شعر در آن بکار برده نشده، و نثر هم نیست برای اینکه قواعدی در آن وجود دارد که در غیر آن دیده نمیشود بعضی از این قیود در آخر آیات است و بعضی از آنها هم در طرز اتصال کلمات یکدیگر همین خصوصیت است که این نغمه موسیقی مخصوص را بوجود آورده است. (۱)

باقلا نی میگوید: نظم قرآن با اینکه وجوه متعددی دارد و بصورت های گوناگون ریخته شده، در عین حال از زمره همه اسلوب های یکبارگی در کلمات عرب مشاهده میشود خارج است، و با تمام صوریکه عربها خطابه های خود را در آن صور بیان میکنند مبیانت دارد.

اسلوب قرآن مخصوص بخود آن است؛ و جمله بندی های گوناگون آن وجه امتیاز آن از همه کلام های معمول میباشد، (۲)

از این بررسی بدست می آید علت انفراد قرآن در روش خود اینست که این کتاب پرداخته فکر بشر نیست، و گرنه لازم بود بایکی از اسلوب های یکبارگی سخن کوئی داشتند، یا بعد از آن نهاد میان بشر بوجود آمده، مطابقت و هم آهنگی داشته باشد، (۳) هر دانشمندی یا استاد سخنی این ملازمه را معترف است و متمایز بودن قرآن را از اسلوب های عربی؛ دلیل اعجاز آن میداند، و معتقد است که

(۱) کتاب حدیث الشعر والنثر ص ۲۵

(۲) اعجاز القرآن باقلانی صفحه ۳۸

(۳) اعجاز قرآن دافعی ص ۲۶۹

قرآن از کلام بشر، حتی از کلام خود محمد هم درست نشده است و همین سبک عجیب بود که فصحای عرب را بزبان درآورد؛ چون آنها کلامی را در برابر خود مشاهده کردند که طبعشان توانائی ایجاد آنرا نداشت، و وقتی که بعضی از آنها مانند سیلمه در مقام معارضه یا قرآن برآمد، خواست از روش آن تقلید کند اما نه تنها قادر نشد، بلکه روش فطری خود را هم فراموش کرده از همه جهات دچار اشتباه گردید!



اختلاف سبک قرآن با سبک گفتار پیامبر

موضوعی که در این بحث شایان توجه بوده و وحی بودن قرآن را بخوبی مدلل میدارد، اختلاف آشکاری است که میان سبک قرآن و سبک کلام پیامبر مشاهده میشود. وقتی بکتاب احادیث که اقوال پیغمبر در آنها جمع آوری شده مراجعه نموده و آنها را برای مقایسه با لای قرآن میگذاریم می بینیم در همه جهات: در روش تعبیر از معانی، در موضوعات سخن، این فرق واضح و آشکار است، برای اینکه دیده میشود احادیث پیامبر با مراعات اختصار لازم و سادگی لغات در آن، در سبک مکالمه و تفهیم و تعلیمهای معمولی و خطابه‌های معهود عرب است، برخلاف اسلوب قرآن که نظیر آن در اسلوبهای کلام عرب دیده نمیشود همچنین وقتی کلام پیغمبر را مطالعه میکنی. در خلال اسلوب آن يك شخصیت بشری را می بینی که در پیشگاه خداوند به ضعف خود اعتراف میکند.

بر خلاف آیات قرآن که از وراء اسلوب آن يك شخصیت ما فوق انسانی چهار عادل، و حکیم و رحیم را درك میکنی که با بشر سخن میگوید و در هیچ مقامی حتی در آن مقام که رحمت و اسعه وجود

را متذکر است، ضعیفی در او نمایان نیست !

پس اگر همچنانکه بعضی ها مدعی هستند، قرآن تألیف پیامبر بود
میبایست گفتارهای او و قرآن مانند دوشاخه از یک اصل باشند، زیرا در
نظر دانشمندان علوم ادبی مسلم است که ممکن نیست یک شخص دارای دوروش
سخنگوئی متباین و متغایر باشد .

این اختلاف فاحش و اساسی میان قرآن و سبک احادیث پیامبر که
با اطلاع مختصری از لغت عرب بخوبی درك میشود شاهد زنده ایست باینکه
قرآن وحی الهی است .

پاره‌ای از امتیازات سبک قرآن



تصویر فنی در قرآن

امتیاز اصلی قرآن، که قاعده اولی آن در بیان مطالب است، تصویر
ماهرانه و زیبای قرآن است .

قرآن صور ذهنی ؛ حالات نفسانی ؛ حوادث محسوس ؛ مناظر
دیدنی انسان کامل، و طبایع بشری همه را در قالب حس و خیال ریخته، آنرا
چنان زنده و متحرك میکند، که کوئی صورتهای ذهنی، بصورت يك
هیئت خارجی در آمده، یا حالت نفسانی تا بلوی مصوری گشته، یا
انسان کامل واقعاً حیات گرفته و می جنبد، یا طبیعت ناهرئی بشر
مجسمه‌ای شده و آنرا در برابر دیدگان تو گذاشته‌اند ... !

ولی وقتی متوجه میشویم که ابزار مجسم کننده این صور ذهنی و

حالات نفسانی و انسان کامل و حوادث محسوس؛ فقط چند لفظ جامد و بیجان بود، نه رنگ‌ها و اشیاء خارجی، آنوقت است که اعجاز قرآن را درک میکنیم، مثال ما برای آنچه گفتیم، مجموع قرآن است، در هر موردی که غرضی از اغراض مذکور را متعرض شده باشد ...

پس تصویری در قرآن بصورت زیبایی و تناسب اسلوب، تنها در بعضی از موارد نیست، بلکه آن یک طریقه اساسی و روش ثابتی است که بصورت‌های گوناگون در سراسر قرآن از آن استفاده شده است (۱) ...

مثل زدن قرآن



یکی از امتیازات سبک قرآن مثال زدن برای تفهیم مطالب است قرآن درباره فلسفه این امتیاز خود میگوید :

«در این قرآن، از هر نوع مثلی برای مردم آوردیم تا آنها (از راه توجه باین امثال) حقایق الهی را بیاد آورند و بفهمند» (۲)

این مثل زدن بمنظور بیدار کردن دل، پند دادن و تقریر ساده مطلب و تزئین نمودن حقیقت بعقلهای انسانها است، زیرا تصویر حقایق و مانند کردن آن بمحسوسات برای اقناع وجدان بشری مؤثرتر از هر راهی است و برای ماندن در اذهان بهترین طریقه است.



تکرار در قرآن

از امتیازات دیگر قرآن اینست که معنای واحدا را بعبارتهای مختلف

(۱) کتاب التّصویر الفنّی فی القرآن سید قطب ص ۳۱ - ۲۲

(۲) ولقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم ینذکرون (سوره

زمر آیه ۲۷)

و در آیات متعدد تکرار میکنند ، مثلا تکرار ، در بعضی از قصص بجهت مؤکد نمودن تحذیر و وعده عقاب ، یا بجهت تشریح کامل پند و اندرز ، یا تثبیت برهان و امثال آن دیده میشود ، یا مانند تکرار در مواردیکه میخواهند بندگان را بر وجود نعمتی متوجه ساخته ، محبت الهی را در آنباره اثبات کنند و بداند وسیله نعمت دهند را متذکر گردد ، و روش و وظیفه سپاسگزاری نعمتهای او را بیان کنند ؛ و یا موارد دیگر .

گرداندن و بصورتهای گوناگون در آوردن سخن آنهم در پیرامون يك موضوع در آیات مختلفیکه لفظا و معنایهم شبیهند و مانند هم فصیح و بلیغند از اسرار قرآن است ، يك نوع توانائی در اداء سخن است که تنها در قرآن دیده میشود و هیچ سخن دیگری به این پایه نمیرسد .

در عصر حاضر که علوم روانشناسی ، اجتماعی مراتب تکامل را می بینیم ، ما می بینیم رهبران مرامها و مکتبها چگونه برای رسیدن به هدف ، در تبلیغات و نشریهای خود بطریقه تکرار متوسل میشوند و مرام واحد را در عبارتها و صورتهای گوناگون بیان میکنند ، این روش باین علت انتخاب میشود که تکرار از بهترین طریقه های اقناع و قویترین وسایل برای راسخ کردن رأی و عقیده در نفس انسان است ، و این همان طریقی است که قرآن در دعوت خود بکار برده است .



آهنگ مخصوص و نافذ قرآن

آخرین امتیازی که از امتیازات سبک قرآن میتوانیم بیان کنیم آهنگ مخصوص و نافذ قرآن است ، که از انتخاب الفاظ شیرین ، و منظم کردن آنها در رشته مخصوصی که عالیترین مرتبه فصاحت را دارد پدید

آمده ؛ این آهنگ منظم که قرآن با آن امتیاز پیدا میکند ، پرتو نظم مخصوص هر مورد ، و محصول کم‌وزیاد بودن فاصله‌هایست که در آیات وجود دارد ، همچنانکه تابع طرز اتصال حروف بیکدیگر ، در کلمه واحد و وضع قرار گرفتن الفاظ يك جمله ، در فاصله‌های متشابه و معین میباشد قرآن در رد مشرکین عرب میگوید :

دوما به پیغمبر ، شعر نیاموختیم ، و نه باو میسزد ، آن (قرآن) ذکر الهی و قرآن مبین است ، یس : ۶۶ . در مقام حکایت از گفته‌های آنها هم میگوید آنها می‌گفتند : بلکه او (محمد) بخداوند تهمت میزند بلکه او شاعر است ، انبیاء ۵ .

قرآن کریم درست میگوید ، سبك قرآن شعر نیست ولی عربها هم روزیکه این روش غالی را شعر مینامیدند ؛ دیوانه نبودند ، بلکه تصویرات شگفت انگیز قرآن در خیال آنها تصرف کرده و منطق ساحر آن ، وجدان آنها را سحر نموده بود ، و سامعه آنان در برابر آهنگ موزون آن ؛ متأثر و منقاد گشته بود .

پیدا است که همه اینها از امتیازات اسامی شعراست ؛ گرچه قافیه سازی و اوزان عروضی در قرآن بکار برده نشده است .

با نظر دقیق مشاهده میشود که قرآن هم مزایای ثر را واجداست و هم مزایای شعرا . سبك قرآن از قیود قافیه ها و محدودیت اوزان عروضی آزاد است ، و در نتیجه این آزادی توانسته است جمیع اغراض خود را که در قالب قافیه و وزن نمی‌گنجید مشروحاً بیان کند ، و در عین حال پاره‌ای از قواعد موسیقی داخلی اشعار و فاصله‌های متشابه را که تولید وزن واحد میکنند ، در آیات بکار برده شده و از آنها تأثیر اوزان عروضی

تحصیل نموده ، و همچنین با قافیه‌های مخصوص بخودش ، از قافیه‌های شعری بی‌نیاز شده است . . . (۱)

☆ ☆ ☆

یاره‌ای از نویسندگان غرب به سبک خاص قرآن اعتراف میکنند .

بعضی از نویسندگان غرب ، بموقعیت عظیم قرآن ، در عالم ادب و دین اعتراف نموده است . دیر مانجیم ، میگوید: برای هر پیغمبری لازم است برای اثبات نبوت خود ، دلیلی از طبیعت مخصوصی اقامه کند ، این دلیل معجزه نامیده میشود با آنچه از اولیاء صادر میشود و کرامت نام دارد متفاوت است . . . قرآن هم یگانه معجزه محمد (ص) است برای آنکه جنبه ادبی قرآن ، و بانیروی نورانی که دارد ، تا امروز ثابت و پایدار است ، و در خواننده آن ؛ هر قدر هم که کم تقوی باشد ، حالت مخصوصی از هیجان و انقلاب ایجاد میکند .

محمد (ص) جن و انس را در آوردن کتابی مانند قرآن دعوت بمبارزه نمود ، و این دلیل کامل بر نبوت او است (۲) «سیل» میگوید : اسلوب قرآن بسیار زیبا و پرفیض است . . . و در پیشرفتهای آن خصوصاً در مواردیکه از عظمت و جلال خداوند سخن میگوید ، اسلوبی شیرین و نغز بکار برده شده . . . و عجیب اینست که قرآن با این اسلوب شیرین خود اذهان مستمعین را چه مؤمن باشند و چه معارض بتلاوت آن میکشد ، و همین حالت است که معارضین ، وقتی دچار آن میشوند میگویند قرآن با اسلوب خود ما را سحر کرد ، و در نتیجه ما ساکت شدیم و آنرا عجیب شمردیم !

(۱) از کتاب التصوير الفنی فی القرآن سید قطب ص ۸۲ - ۸۳

(۲) زندگی محمد تألیف دیر ما بخیم ص ۷۶

۳
۱
۵
۶